



درس بیست و یکم

# رحمت صفتی از صفات فاضله انسانی

الشَّرْعُ وَ كَلَّمَا حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَكْمُهُ بِهِ الْعُقُلِ. آنچه را که عقل به نیکی او قضاوت میکند، یعنی آن اندیشه و آن باوری که عقل به حسن او یا به قبح او حکم میکند اسلام هم همانطور حکم میکند. هر صفتی که عقل به حسن او یا به قبح او حکم میکند اسلام نیز همانطور قضاوت میکند و هر عمل و کردار و کار جوانمی که عقل به حسن او و یا قبح او حاکم است شرع نیز همانطور حکم میکند. اسلام است که چنین ادعایی را میتواند داشته باشد و بگوید احکام من و قضاوتهای من همه بر طبق عقل سالم است، هر چه من میگویم اگر عقل سالم باشد همانرا خواهد گفت و هر چه که عقل سالم میگوید من همانرا میگویم چه در بعد باور ها و اعتقادات، چه در بعد اخلاق و صفات روانی و چه در بعد اعمال و کارهای بدنی باشد. در تمام ابعاد اسلام میگوید: «مَا حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهِ الْعُقُلُ وَ مَا حَكَمَ بِهِ الْعُقُلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» و البته بیداست مراد از این عقلی که میگوئیم او بر هر چه قضاوت کند شرع هم طبق اوست و شرع هر چه بگوید عقل هم طبق اوست، مراد از عقل، عقل صحیح است. مراد از خرد، خرد سالم است، خردی نیست که بواسطه هواها مریض شده باشد، خردی که بواسطه شهوات بیمار شده باشد عقلی که اسیر هواهای نفسانی شده عقلی که اسیر حب مال است عقلی که اسیر حب جاه است عقلی که

است علاوه بر اینکه از صفات اسلامیت، برخی از صفتهای انسانی صفت انسان است یعنی عقل میگوید که این صفت نیکوست گرچه انسان مذهبی هم باشد، انسانی که مهربان است و رحیم است و دل سوز است مقامش در این قسمت بالاتر از انسان بی مهر و قسی القلب است این صفات از کمالات انسانی است. چنانچه صفت سیر نیز این سخنی است و از صفات کمالیه انسانی است، چه انسان مکتبی و مذهبی باشد، یا معتقد به مذهب نباشد. گرچه این نکته برای ما قابل توجه است که هر صفت انسانی صفت اسلامیت و هر صفت اسلامی نیز صفت انسانیت، این از ویژگیهای اسلام است اسلام آنچه را که تصویب میکند، آنچه را که نیکو بشمارد، آنچه را که حکم به حشش میکند، عقل نیز همان طور میگوید و این مسئله کلی را شما در بحث اصول فقه عنوان میکنید و علماء اصول عنوان کرده اند، میگویند: «كَلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعُقُلُ حَكَمَ بِهِ

مقدمه: در شماره گذشته از سلسله نغمهای عرفان عملی حضرت آیت الله مشکینی نکاتی پیرامون شجاعت پیامبران و امامان، سرنوشت بچه های کفار در آخرت، توکل و محکومات و مشابهات قرآن از نظر خوانندگان عزیز گذشت در این شماره بیان استاد پیرامون رحم که از بهترین کمالات انسانی است از نظر شما عزیزان می گذرد.

یکی از صفات فاضله انسانی، صفت رحم است و ترحم این صفت که بناه رحمت و رأفت، شفقت و عطوفت و عاطفه نامیده میشود از بهترین کمالات روحی انسان است، رأفت و رحمت به کی و ترحم بر چی؟ بر پدر بر مادر، بر فرزندان، بر استاد، بر شاگرد، بر اقوام، بر رفیق، بر جامعه، بر هم کیش، بر هم نوع، بر همه انسانها و حیوانات، پس همه اینها از صفات رحم انسانی است و این صفت از صفات انسانی

برده دست شهوات، عتادها و تعصبا است، این عقل حکومیت صحیح نیست و قضاوت درست نمیتواند بکند، مراد از عقل، عقل سالم است آنچه را که عقل سالم خواهد گفت شرع هم خواهد گفت و بالجمله صفت ترجم از صفات روانی انسانی و اسلامیت عقل میگوید نیکوست و اسلام میگوید نیکوست و یکی از بهترین کمالات انسان است. در آیات و روایات راجع به این صفت بسیار تحریص واقع شده است خداوند خود را به عنوان رحمان معرفی میکند و بعنوان رحیم معرفی می کند. کتاب او کتاب رحمت است (یکی از نامهای قرآن رحمت است)، برای ورود در هر سوره قرآن باید نامی از الله بگویند و پس از ذکر نام الله اولین صفتی که باید بگویند صفتی است مشتق از رحمت و دومین صفتی که بگویند آن نیز مشتق از صفت رحمت است. پیامبر گرامی رحمة اللعالمین است، سراپا بار رحمت است. رحمت یکی از مهمترین کمالات الله رحیم است. بندگان خالص او نیز رحیم می باشند. رحمت یکی از بهترین صفات انسانی نسبت به نوع و نسبت به همه است، حتی بالاتر از این رحمت.

**\* در روایت دارد آنقدر روز قیامت رحمت خدا شامل حال بندگانش می شود که حتی شیطان لعین هم در طمع می افتد که شاید دامنه رحمت او (الله) شیطان را هم بگیرد و او هم بهشتی شود. بالاخره جنبه رحمانیت الله بسیار قویست. همچنین به ما می گوید «تخلقوا باخلاق الله» یعنی باید ما هم جنبه رحمان بر جنبه غضبمان قویتر باشد.**

جانان در خطر است، باید اعضاء را قطع کنید، قطع کردن اعضاء، بریدن دست و پا مشکل است، اما همین عمل نشئت یافته از رحمت است و بمقتضای صفت رحمت می باشد. پس صفت رحمت گاهی باعث میشود که انسان بجنگد و بکشد. خلاصه رحم از بهترین عملها و صفات روانی انسان است و انسان بی عاطفه از انسانیت ساقط است. انسان بی مهر (نیمه انسانه) کمال را ندارد. ببینید خودتان را با جامعه بسنجید با برادر و با دوست با دشمن بسنجید اگر شما عاطفه دارید، اگر مهر دارید، اگر مودت دارید، اگر دلسوز هستید این کمال را دارید و خدا را شکر بگذارید و اگر ندارید نقص بزرگی در خود دارید و مرضی در خود پیدا میکنید و باید معالجه اش کنید. پیامبر (ص) جمله ای فرمود: «إِنَّ لِأَقْبَلِ الدِّينِ عَلَامَاتٍ» فرمود اهل دین و آنان که با دین سروکار دارند و اعتقاد به مبداء و معاد دارند، چند علامت در آنها پیدا میشود، اگر بخواهید اهل دین بودن خود را پیدا کنید با این الگو میتوانید پیدا کنید فرمود اولین علامت صدق در گفتار است، علامت دوم امانت داری در اسرار و در مال است.

جنگیدن منافات ندارد، گاهی رحمت تقاضا می کند که انسان دلسوزی و دلنوازی کند و گاهی تقاضا می کند او را بگیرد و زندانی کند و گاهی رحمت تقاضا می کند با او بجنگد و او را بکشد، اینها همه آثار رحمت است اگر پیامبر گرامی با عده ای می جنگید و آنها را می کشت، اگر بنی قریظه را دستور داد آنچنان کشتند، همه آنها روی جنبه رحمت بود زیرا وقتی که یک عضوی فلج شود باید او را برید تا اعضای دیگر نیز فلج نشود تا سرایت به اعضای دیگر نکند اگر در جامعه عده ای از مسیر حق جامعه بیرون روند و منحرف شوند کسی که دلسوز این جامعه باشد، رحمت به جامعه داشته باشد، ناگزیر باید با او مبارزه کند و این اعضای فاسد و فلج را قطع کند. همین بریدن و قطع کردن با اینکه در عین حال کشتن و نابود کردن است ولی نشئت یافته از رحمت می باشد. اگر چنانچه دست کسی یا پای کسی طوری باشد که باید بریده شود تا بدن سالم بماند شما اجازه بریدن انگشتان را میدهید، اجازه بریدن دست و پا را صادر میکنید و از دکتر درخواست میکنید که این عمل جراحی را انجام بدهد و پول هم بهش میدهید که دست و پای شما را قطع کند این قطع کردن به لحاظ اینکه شما به جانان ترجم و دلسوزی دارید. بنا بر این اگر چنانچه ببینید

**\* رحمت و دلسوزی با جنگیدن منافات ندارد، گاهی رحمت تقاضا می کند که انسان دلسوزی و دلنوازی کند و گاهی رحمت تقاضا می کند که او را بگیرد و زندانی کند و گاهی تقاضا می کند با او بجنگد و او را بکشد، اینها همه آثار رحمت است.**

انسان باید رحیم باشد، مهربان و دلسوز نه فقط به هم کیش خودش بلکه باید بردشمنان هم مهربان باشد. پیامبر گرامی رحمة اللعالمین است، عالمین ابوجهل را، ابولهب و ابوسفیان را نیز شامل است، پیغمبر گرامی به همه آنها رحمت داشت و به همه آنها دلسوز بود و روی آن دلسوزیها بود که با آنها گاهی می جنگید و گاهی دعوت می کرد. رحمت و دلسوزی با

**\* پیامبر گرامی (ص) فرمود: اهل دین و آنانکه با دین سروکار دارند و اعتقاد به مبداء و معاد دارند، چند علامت در آنها پیدا می شود: ۱ - صدق در گفتار، ۲ - امانت داری در اسرار و در مال، ۳ - وفاء به عهد، ۴ - صلۀ رحم با اقوام، ۵ - مهرورزی دین به ضعیفان و محرومان.**

علامت سوم وفا به عهد است، آنچه را که قول دادی انجام دادن، علامت چهارم صلۀ رحم با اقوام، نیکی کردن و صلۀ رحم کردن علامت پنجم این صفت بزرگ است «وَرَحْمَةُ الضَّعِيفَاءِ» انسان در دل نسبت بقیه در صلح است.

## اخلاق مقوله‌ای ...

طبیعی ترین چیزها درعالم این است که تومعبودباشی و من عابد و پرستنده باشم، مضامین این دعای کمیل را ازاول تا آخر به دقت مطالعه کنید، ببینید علی (ع) چه می گوید؟ ببینید معنی پرستش چیست؟ معنی پرستش آگاهانه چیست؟ معنی پرستش سپاسگزارانه چیست؟ ببینید اصلا ازخودخارج شدن معنایش چیست؟

اگر توجه داشته باشیم درمنطقی که علی باغیر خدا حرف می زند کوچکترین مبالغه و اغراق نیست تاچه رسد آنجا که باخدای خودش دارد حرف می زند. به جمله هائی می رسمیم که برای ماقابل تصور نیست اصلا قابل تصورنیست راجع به آتش جهنم خودش میگوید:

«وَلَوْ أَنَّ مَلَائِكَةَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» آتش جهنم از نوع آتشیهای دنیانیست آن آتشی است که تمام آسمانها و زمین درمقابل آن مقاومت ندارند. درعین حال میگوید: «هنی صبرت علی عذابک فکیف اصبر علی فراقک هنی صبرت علی حنارک فکیف اصبر علی النظرالی کرامتک» فرضا طاقت صبر برچنین غذایی را داشته باشم صبر برجدائی تو را ندارم، عبادت عاشقانه یعنی این فرضا صبرمقاومت درمقابل آن حرارتها را داشته باشم چگونه میتوانم از اینکه کرامت تو ازمن گرفته شده است و لطف توازمن بازداشته شده است صبرکنم، صبر این راهرگز علی ندارد. عبادت پرستشانه این است. مقام انسان خیلی بالاتر از این است منحصر به علی نیست انسانها این قدر دردنیای زیاد هستند که واقعا می رسند به حدی که حافظ می گوید:

درضمیرما نمی گنجد به غیراز دوست کس

هردوعالم را به دشمن ده ما را دوست بس

درحدیث است که در قیامت وجود مقدس حسین بن علی را عاشقان واقعی او (آنهایی که دنبال حسین پرواز می کنند) پیدا می کنند و دورش حلقه می زنند؟ حسین (ع) شروع به سخن گفتن با آنها می کند درهمانحال پس از پیام او پیام بهشت برای آنها میرسد، مؤمنین بهشتان آماده است، حورالعین ها آماده است، اعتنا نمی کنند، اینها هم سخن با حسین (ع) شدند، هم سخنی با حسین را برتمام بهشت باهمه نعمتهایش ترجیح میدهند این معنی لذت معنوی است که انسان آنرا درک می کند، لذت معنوی چنین چیزی است.

## رحمت صفتی از ...

به ضعیفان، به کسانیکه عقب افتاده اند و محروم شده اند مهز بورزد و علاقه پیدا کند. حرکت کند و بسوی نجات آنها قدم بردارد. این صفت یکی از بهترین صفات انسانیست که در آیات و روایات تحریص زیاد وارد شده. جمله ای از آقای حسن بصری نقل شده (حسن بصری از مترهذین زمان بود و خود را به زهد میزد. زمان علی علیه السلام را درک کرده و سپس زمان امام حسن و امام حسین و تا زمان زین العابدین (ع) را نیز درک کرده بود) جمله ای از حسن بصری آوردند به امام زین العابدین رساندند که حسن بصری میگوید اگر چنانچه دیدی کسی جهنم می رود، اگر مردم جهنمی میشوند، تعجب نیست، تعجب در این است که مردم چگونه بهشتی میشوند. امام این جمله را شنید، دید حسن بصری اشتباه کرده است مطلبی برضد او فرمود، فرمود: من میگویم اگر دید کسی بهشتی شده است تعجب نیست تعجب در این است که مردم چگونه جهنمی میشوند. آری این دو جمله با هم مختلفند. حسن بصری چه فکر میکرده و زین العابدین (ع) چه مطلبی را داشته، حسن بصری نگاه به گناهان مردم میکرده و میدیده که مردم غالبا گناهکارند و میگفته است مردم با این همه گناهی که دارند باید همه جهنمی بشوند. و اگر کسی بهشتی بشود تعجب دارد که چگونه با این همه گناه رهائی پیدا کرده زیرا شاعر میگوید:

گر حکم شود که مست گیرند

در شهر هر آنچه هست گیرند

او میگفت باید همه جهنمی بشوند زیرا که مردم گناهکارند و گناه بر مردم غالب. اما کسی بهشتی بشود تعجب دارد. زین العابدین (ع) مقایسه دیگری میکند گناهان مردم را با رحمت پروردگار مقایسه میکند او رحمت پروردگار را بر گناهان غالب می بیند زیرا رحمت خدا بر همه اشیاء سبقت و غلبه دارد. زین العابدین رحمت خدا را در نظر میگیرد، می بیند با این همه لطف و رحمت و احسانیکه خدا دارد باید همه مردم بهشتی بشوند. تعجب از کسانی است که با سعه رحمت پروردگار به سوی جهنم می روند و جهنمی میشوند. پس این دو جمله را که شما شنیدید ببینید زین العابدین (ع) در باره رحمت می گوید: عجب نیست اگر همه مردم بهشتی شوند

زیرا که مقتضای رحمت او این است، عجب در این است که با آن وسعت رحمت الله، در روایت دارد آنقدر روز قیامت رحمت خدا شامل حال بندگانش می شود که حتی شیطان لعین هم در طمع می افتد که شاید دامنه رحمت او شیطان را هم بگیرد و او هم بهشتی بشود. بالاخره جنبه رحمانیت در الله بسیار قویست و هم چنین به ما می گوید: «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ» یعنی باید ما هم جنبه رحمان بر جنبه غضبان قویتر باشد. در روایت دارد روزی پیامبر گرامی در مسجد بودند یا تشریف میبردند در کوچه و خیابان دید عده ای دور شخصی را گرفته اند و دارند میگویند و میخندند گفت: چه خبر است، گفتند: این دیوانه است بچه ها و جوانها دورش را گرفته اند، فرمود: این دیوانه نیست، این مریض و مبتلاست، این را ببرید در بیمارستان معالجه کنید، گفتند: این رسول الله پس دیوانه کیست؟ فرمود: دیوانه کسی است که خدا در مقابلش حاضر است و خدا او را میبیند و او گناه میکند. دیوانه چنین فردیست این است دیوانه که بروید و به او ترحم کنید، یعنی اگر شما یک انسانی را دیدید که گناه میکند ترحم اقتضاء میکند که نهی از منکرش کنی، هدایتش کنی و این صفت ترحم باید در انسان این نحوه اثر بگذارد که اگر دیدید کسی واجبش ترک میشود، باید عنوان دلسوزی شما را او دارد که به سوی او بروید و موعظه کنید و دعوت کنید برادر شماست، خواهر شماست به آنان بگویند، بیایید به سوی حق وظیفه انسانی و اسلامی، انسان این است که ترحم کند و بسوی حق دعوت کند. در روایات این مطلب وارد شده در وقتی که جنگ احد پیشامد کرد (جنگ احد جنگی بود که مهمترین جنگ در شکست اسلام آن جنگ بود. در آن جنگ مسلمانان شکست خوردند، تلفات مالی زیاد دادند، تلفات جانی زیاد دادند، هفتاد فرد برجسته از مسلمین شهید شد عده ای هم تلفات دیگر دیدند) در آن جنگ سید الشهداء حمزه (ع) کشته شد، پیامبر گرامی در محاصره کفار واقع شد و حمله ها کردند از هر طرف سنگ پرتاب شد، سنگی به دندانهای مبارکش خورد و شکست سنگ دیگری به صورت مبارکش خورد و مجروح کرد و خون جاری شد. دور حضرت مسلمانهایی که مانند پروانه بر شمع وجود او میگشتند عرض داشتند یا رسول الله و ای پیغمبر گرامی «ادعوا علیهم»